

خودآموز نابود کردن یک انتشاراتی خوشنام



عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

انتشارات علمی و فرهنگی از نشرهای قدیمی است که قدمتی ۷۰ ساله دارد و روزگاری مرجع مهم کتابخوانان و مخاطبان آثار کلاسیک بود؛ اما این روزها چاپخانه این انتشارات تعطیل شده و کتابی هم برای چاپ ندارد. برخی از کارکنان این مجموعه که روزها و سال‌های اوج انتشارات را دیده بودند، با دیده ناامیدی به این روزهای این مجموعه مهم فرهنگی نگاه می‌کنند و به کنایه می‌گویند که اینجا تبدیل شده است به پایگاه رزومه‌سازی برای مدیران جوان!

انتشارات علمی و فرهنگی از ادغام دو موسسه «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» و «موسسه انتشارات فرانکلین» پدید آمده است. «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» در سال ۱۳۳۲ تأسیس شد و مدیرعاملش

احسان یارشاطر بود و نویسندگانی همچون عبدالحسین زرین‌کوب و ایرج افشار در این انتشارات حضور داشتند. پس از پیروزی انقلاب «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» در اواخر سال ۱۳۶۰ به «شرکت انتشارات علمی و فرهنگی» تغییر نام داد. موسسه فرانکلین هم که در سال ۱۳۵۶ «سازمان آموزشی نوزم» نام گرفته بود ابتدا به «شرکت انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی» تغییر نام داد و سپس در سال ۱۳۷۲ با انتشارات علمی و فرهنگی ادغام شد. بعد از یک گذار پر فراز و نشیب ۷۰ ساله، حالا خبرهای خوشی از این انتشارات به گوش نمی‌رسد. چند سالی بود که آتش‌ها زیر خاکستر مانده بود و صدای اعتراض‌ها نسبت به وضعیت فعلی به جایی نمی‌رسید تا اینکه چند روز پیش برخی از کارکنان انتشارات علمی و فرهنگی، نسبت به حقوق معوقه‌شان در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. به بهانه اتفاقاتی که شکل گرفته، سراغ مسائل و دغدغه‌های این انتشارات رفتیم.

روزهای شکوفایی و اوج!

در فاصله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶، قریب به دو هزار عنوان کتاب در این انتشارات منتشر شد. مجموعه اقداماتی که انتشارات در آن سال‌ها انجام داد است را این‌گونه برمی‌شمارند؛ پایه‌گذاری ویرایش، ارزیابی و نظارت بر ترجمه‌ها، احداث کارخانه کاغذ پارس برای رفع مشکل تأمین کاغذ، بنیانگذاری سازمان کتاب‌های جیبی، تهیه ۵۰۰ کتابخانه برای مدرسه‌های دولتی، بنیانگذاری

موسسه دفتر لغت فارسی به سرپرستی مجتبی مینوی و زرین‌کوب، کمک به ایجاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهیه طرح مبارزه با بی‌سوادی برای بزرگسالان، ساخت مرکز تکنولوژی آموزشی برای تهیه فیلم و کمک به پاک‌فکن کتابخانه دانشگاه صنعتی شریف. بعد از انقلاب و مشخصاً از دهه ۷۰، همین روند توسعه و اثرگذاری انتشارات علمی و فرهنگی

در بازار نشر ایران پیگیری شد. تولید آثار کلاسیک مهم و در کنارش گنجینه فرهنگ ایرانی اعم از آثار فلسفی، آثار ادبی، ادیان و به‌ویژه هنر ایرانی، تاریخ ایران از ایران باستان تا ایران اسلامی و... از جمله موضوعاتی بود که این انتشارات در چاپ کتاب از آن بهره‌گرفت. انتشارات علمی و فرهنگی در همین حوزه‌ها سردمدار، جریان‌ساز و پیشرو در چاپ کتاب‌های مختلف بود.

تغییر مدیریت‌ها

انتشارات ۷۰ ساله علمی و فرهنگی بخش مهمی از تاریخ نشر ایران است. کارنامه این انتشارات در سال‌های فعالیتش نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف نقشی فرآگیر در حوزه آموزش و تربیت دانش‌پژوهان را داشته است. در ابتدا همه سهام این انتشاراتی به وزارت علوم تعلق داشت و مبتنی بر سیاست‌گذاری‌هایی که برای آن تعریف شده بود و عمده آثار در حوزه تربیت و آموزش علمی منتشر می‌شد. اثرگذاری و ضرب نفوذ آثار این ناشر به‌گونه‌ای بود که در اواخر دهه ۳۰ کتاب‌های درسی افغانستان هم برعهده این انتشارات بود. به تدریج سهام این ناشر به سازمان تأمین اجتماعی انتقال یافت و آرام آرام مسیرهای تازه‌ای متأثر از سلیقه مدیران در این مجموعه تزریق شد. مدیرانی که براساس تصمیم و نظر سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شده بودند. عمده آثار مشهور این ناشر در سه حوزه تخصصی فلسفه، تاریخ و ادبیات بود اما با گذر از سال‌ها و تصمیمات مدیران متمرکز از این سه حوزه خارج و نقاط قوت انتشارات علمی و فرهنگی، آرام آرام لاغر و نحیف شد. بهروز صحابه از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ مدیریت این انتشارات را به عهده داشت و در دوره او بخشی از سهام انتشارات علمی و فرهنگی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بنگاه‌های خصوصی نشر، از سوی صندوق سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی خریداری شد. براساس چنین اقدامی ۵۱ درصد سهام این انتشارات از آن سازمان تأمین اجتماعی شد و ۴۹ درصد سهام در اختیار وزارت علوم باقی ماند. سهام خریداری شده

توسط تأمین اجتماعی در آن زمان بیش از ۲۶ میلیارد تومان ارزش‌گذاری شده بود. با رفتن بهروز صحابه در سال ۱۳۸۴، رستمیان چون عضو هیات‌مدیره بود یک ماه به عنوان مدیر فعالیت کرد اما با تغییر دولت و با آمدن محمود احمدی‌نژاد مدیرعامل این انتشارات تغییر کرد و علی زارعی‌نصف‌دری در این سمت نشست تا دوره هشت‌ساله خود را آغاز کند. در این دوره چاپ آثار با اهدافی که برایش تعریف شده بود، دوباره رونق گرفت. با روی کار آمدن دولت حسن روحانی؛ مسعود کوثری از سال ۱۳۹۳ تا دی‌ماه ۱۳۹۸ مدیریت این انتشارات را به عهده گرفت و به گفته کارکنان با توجه به سابقه فرهنگی او تا حدودی سیاست‌های پیشین ادامه پیدا کرد و مدیریت او انتشارات علمی و فرهنگی را همچنان رو به جلو برد اما انگار نقطه آغاز تغییرات گاه و بیگاه برای صندلی مدیریت این انتشارات از سال ۱۳۹۸ بود؛ زمانی که نادره رضایی به جایگاه مدیریتی این انتشارات تکیه زد، قابل پیش‌بینی بود که یک مدیر باسابقه اقتصادی، قرار نیست دوره باثباتی را برای این انتشارات رقم بزند. رضایی با دستور مستقیم وزیر کار، رفاه و تأمین اجتماعی وقت جانشین مسعود کوثری شد و شایعات درمورد انتصاب سیاسی او از جایی شروع شد که حاشیه‌های پیش از مدیریتش در انتشارات علمی و فرهنگی به فضای رسانه کشیده شد. حاشیه‌های سیاسی همچون اعضای بیانیه ۴۶۶ فعال سیاسی و مدنی به بارک اوباما در حمایت از ۵۵ زندانی سیاسی، طرح نسبت فامیلی با شهین دخت مولوردی، تا

حضور و مجری‌گری او در مراسم ستاد انتخاباتی حسن روحانی. او برخی از این موارد را تکذیب کرد و برخی را هم می‌گفت با توجه به عملکردم قضاوت کنید. اما عمده ایراداتی که نسبت به عملکرد او داشتند، به دلیل عدم تناسب سابقه اقتصادی او با مدیریت یک مجموعه فرهنگی بود. او پیش‌تر مشاور مدیرعامل ایران خودرو در امور مسئولیت‌های اجتماعی، مشاور اجتماعی رئیس جمعیت هلال‌احمر و عضویت غیرموظف شرکت لیزینگ خودروی غدیر بود. بعد از تغییر دولت در سال ۱۴۰۰ تا چند ماه همچنان نادره رضایی در این انتشارات حضور داشت اما بالاخره تغییرات مدیران فرهنگی به این انتشارات هم رسید و بهمن‌ماه همان سال محمد حسینی طی حکمی از سوی سیدمیرهاشم موسوی - مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی - جایگزین رضایی شد. حسینی تا اواخر خردادماه ۱۴۰۱ در این سمت ماند و بعد استعفا داد. بعد از استعفا حسینی محسن تقیانی که مدیرکل فرهنگی و اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی بود به عنوان سرپرست این انتشارات انتخاب و از تیرماه تا ۲۲ آذرماه ۱۴۰۱ مسئولیت این انتشارات را برعهده داشت. بالاخره در ۲۲ آذرماه ۱۴۰۱، قاسم صفایی‌نژاد که سابقه مدیرمسئولی نشر «جام‌جم» و مدیرعامل انتشارات صاد را داشت، به عنوان مدیرعامل این انتشارات انتخاب شد و تا الان این سمت را به عهده دارد اما همین تغییر مدیریت‌ها و نداشتن تجربه باعث شده این انتشارات جانی برای ادامه دادن نداشته باشد و تنفس‌های مصنوعی او را زنده نگه داشته است.

چاپخانه تعطیل

«شرکت چاپ و نشر کتیبه» چاپخانه انتشارات علمی و فرهنگی است که به گفته خودشان قلب تپنده این انتشارات است. این چاپخانه در فضایی به وسعت ۱۰ هزار متر مربع، شامل ۳ هزار متر مربع سالن تولید، ۳ هزار متر مربع فضای انبار مواد اولیه و محصول و همچنین حدود ۶۰۰ متر مربع ساختمان اداری با استقرار واحدهای تخصصی شرکت در سه بخش پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ و دارا بودن خط کامل تولید

کتاب و نشریات اعم از چسب‌گرم، جلد سخت و مفتول فعالیت می‌کرد. اما در دوره اخیر با توجه به سیاست‌هایی که حاکم می‌شود، کسی که مسئولیت چاپخانه را به مدت یک سال و نیم به عهده داشت، استعفا می‌دهد و فرد جدیدی مدیریت چاپخانه را به عهده می‌گیرد؛ چاپخانه تعطیل می‌شود و کارکنان هم استعفا می‌دهند. افرادی هم که در چاپخانه حضور دارند، کاملاً بی‌کار و بدون هیچ مشغولیتی، صبح‌را شب می‌کنند.

پس کتابت کوا!

هویت یک انتشارات با چاپ کتاب معنا پیدا می‌کند و اگر این هویت از آن گرفته شود، دیگر هیچ معنایی ندارد. وقتی اخبار سایت انتشارات را نگاه می‌کنید، از چاپ کتاب خبری نیست. فقط دو خبر که یکی مربوط به ترجمه دو نمایشنامه فرانسوی و تجدید چاپ ۲۳ عنوان کتاب پرنده آبی - از جمله آثاری که این انتشارات منتشر کرده - دیده می‌شود، البته این کتاب‌ها

هم مدت زمان طولانی در انتظار چاپ بودند. یکی از دلایل چاپ نشدن کتاب، تعطیل شدن چاپخانه است که موتورش خاموش است و دیگر فعالیتی ندارد، برای همین کتاب‌ها یا به سختی منتشر می‌شوند یا اینکه اصلاً به چاپ نمی‌رسند. عملاً انتشاراتی که سالانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ عنوان کتاب خوب به چاپ می‌رساند، تعطیل شده است.

فروشگاه‌های تعطیل

منبع درآمد انتشارات علمی و فرهنگی غیر از بودجه سازمان تأمین اجتماعی، از ۴ فروشگاه‌ای است که این انتشارات دارد، اما در حال حاضر این فروشگاه‌ها تعطیل است. فروشگاه خیابان کریم‌خان در دلیل دعوای مالکی و سرقتی تعطیل شده است. فروشگاه خیابان جمهوری هم سال‌هاست از تعطیل شدنش می‌گذرد و هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود. فروشگاه خیابان انقلاب هم به تعطیل است و تنها فروشگاه فعال که در این سال‌ها درآمد خوبی داشت، فروشگاه خیابان گل‌فام است که در نهایت این فروشگاه هم در خردادماه اسفند تعطیل شد. قابل ذکر است که درآمد انتشارات علمی و فرهنگی از فروش در سال ۹۹ و ۱۴۰۰ ماهیانه تا ۲ میلیارد تومان بوده است و این درآمد در حال حاضر به ماهیانه ۳۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. که همه اینها نشان از افت بسیار فروش دارد.

ظهورالاسلام هم نتوانست کمکی کند

خانه ظهورالاسلام در نزدیکی خیابان ظهورالاسلام در حوالی میدان بهارستان قرار دارد. معماری خانه ظهورالاسلام و لوکیشن آن، بیشتر شاخصه‌های معماری دوران قاجار را دارد. به همین خاطر اکثر متخصصان حدس می‌زنند این خانه مربوط به اواخر دوران قاجار و زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه باشد. در تحقیقات و پیرس‌وجوهایی که خبرنگاران میراث فرهنگی انجام داده‌اند، درباره مالکیت این خانه تاریخی، چندین روایت وجود دارد. روایت اول می‌گوید که خانه ظهورالاسلام متعلق به یکی از دامادهای ناصرالدین‌شاه به نام سید زین‌العابدین امام جمعه، پسر میرزا ابوالقاسم امام جمعه بوده است؛ از آنجایی هم که لقب میرزا ابوالقاسم امام جمعه، ظهورالاسلام بود به احتمال زیاد می‌توان حدس زد که ریشه نام این خانه به لقب میرزا ابوالقاسم برمی‌گردد. روایت دوم می‌گوید که این خانه متعلق به محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی بود. روایت سوم هم می‌گوید که خانه ظهورالاسلام متعلق به سلطان محمد میرزا سیف‌الدوله بوده و او این خانه را به ظهورالاسلام اجاره یا امانت داده بود. خانه ظهورالاسلام در سال ۱۳۹۵ به فهرست دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی اضافه شد. در آن زمان، تکلیف کاربری این خانه مشخص نشد و کسی نمی‌دانست آیا قرار است این خانه به موزه تبدیل شود یا به یکی از دفاتر اداری

سازمان تأمین اجتماعی. در سال ۱۴۰۰ و زمان مدیریت نادره رضایی این خانه از سوی سازمان تأمین اجتماعی به انتشارات علمی و فرهنگی سپرده می‌شود تا با توجه به کارهای فرهنگی‌ای که این انتشارات انجام می‌دهد، از این ملک تاریخی هم استفاده فرهنگی شود. اما بعد از دو سال بلااستفاده ماندن و کلی خسارت به فضای سبز آنجا که به علت عدم آبیاری از بین رفت، توسط تأمین اجتماعی از انتشارات پس گرفته شد. شهرداری تهران هم برای درختان آنجا که خشک شده بود جریمه‌ای برای این انتشارات و سازمان تأمین اجتماعی می‌نوسد که در همان زمان سروصدای زیادی ایجاد کرد. البته در سال ۱۳۹۵ هم بعد از توافق کش و قوس‌های فراوان، شهرداری تهران اعلام می‌کند طبق توافقی که با این سازمان تأمین اجتماعی و انتشارات داشته‌ایم قرار شده است تا عرصه و فضای بیرونی بنای ظهورالاسلام در اختیار شهر قرار گیرد تا ضمن مرمت و بازسازی، به یک فضای سبز عمومی تبدیل شود. همچنین مرمت و بازسازی و در مجموع نگهداری از بنای این مجموعه نیز بر عهده انتشارات علمی و فرهنگی خواهد بود. اما همچنان این بنا خالی و بدون استفاده است.

کدام تحول؟!

تحول هم از آن شعارهایی است که آرام آرام معنا و مفهوم دیگری پیدا می‌کند. طبیعتاً فقط یک نفر و یک مدیریت نمی‌توانست کار این انتشارات را به جایی برساند که دیگر کتابی منتشر نشود؛ اما مدیریت و سیاست‌های غلط در این دو سال بیشترین آسیب را به بدنه و پیکره انتشارات علمی و فرهنگی زد. قاسم صفایی‌نژاد که از سال گذشته، مدیریت این نشر را به عهده گرفته است؛ او در گفت‌وگویی که با سایت خود انتشارات دارد، از تحولی صحبت می‌کند که برای این نشر در نظر گرفته و می‌گوید: «در طرح تحول انتشارات علمی و فرهنگی، سعی کرده‌ایم مبتنی بر سرمایه‌های معنوی و مادی انتشارات و همه گنجینه‌های محتوایی گذشته، با آینده‌نگری، طرحی نو دراندازیم و متناسب با شرایط فرهنگی روز و آینده از این ظرفیت‌ها به نفع ایران اسلامی بهره ببریم.»

او درباره برنامه‌هایی که برای چاپخانه تعطیل شده این انتشارات دارد هم می‌گوید: «شرکت

نشر نمی‌تواند جز این باشد. به عنوان هدف فرهنگی، تبدیل شدن انتشارات علمی و فرهنگی به رهبر بازار نشر کشور و همچنین معرفی نشر کشور در جهان اسلام مدنظر قرار گرفته است. احیای بخش خاموش گنجینه انتشارات و تبدیل کتاب‌های قدیمی به قالب‌های جدید با توجه به ذائقه مخاطبان امروزی، می‌تواند در کنار تولید محتوای جدید در میان مدت وضعیت علمی و فرهنگی را به جایگاه واقعی خود برگرداند.»

تحول خواهی و صحبت از نفوذ در عرصه‌های بین‌المللی بازار نشر، زمانی قابل تحقق است که چاپخانه و فروشگاه‌های انتشارات علمی و فرهنگی در وضعیت تعطیل یا نیمه‌تعطیل نباشند. نه اینکه با انتشاراتی مواجه باشیم که دیگر کتابی تازه برای بازار نشر ندارد و کارکنانش نسبت به نگرفتن حقوق‌شان معترض هستند. باید قبول کرد شعارها نمی‌توانند راه نجات انتشارات ۷۰ ساله علمی و فرهنگی باشند و تدبیر و مدیریتی به بلندی اعتبار و سابقه این مجموعه نیاز است.